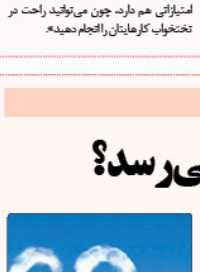

info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۵۴۹
یکشنبه / ۶ بهمن / ۱۳۹۸
۳۰ / جمادی الاول / ۱۴۴۱
26 / Jan/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶-فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۷۳۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۳/۴۶
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

ما را به رندی افسانه کردند
پیران جاهل شیخان گمراه
از دست زاهد کردیم توبـــه
و از فعـــل عابـد استغفرا...

گر به صد منزل فراق افتد
میان ما و دوست
هم‌چنانش در میان جانِ
شیرین، منزل است
سعدی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۷	۰۷:۱۶	۱۲:۱۶	۱۷:۱۵	۱۷:۳۴

اگر می خواهی خوب باشی باید اول معتقد باشی که بد هستی.

اپیکتوس

با شعرای کرج

حسرت

بر دلم ماند
حسرت دوستت دارم
هرچه باداباد
طاقتم تمام
جانم کف دست
از ته قلبم می گویم
میخواهم با تو باشم

بهروز قاسمی (رها)

خبرچه

تبدیل بی‌بی‌سی به رسانه بوریس جانسون

همزمان با اعلام کناره‌گیری مدیرکل بی‌بی‌سی، مشاور ارشد بوریس جانسون درصدد تغییر سیاست‌های این شبکه و تبدیل آن به مدل رابطه فاکس‌نیوز و دونالد ترامپ است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، اندیشکده منتصب به «دومینیک کامینگ» خواستار پایان دادن به شکل کنونی فعالیت‌های بی‌بی‌سی و گرایش بیشتر آن به اندیشه‌های دست راستی شده است. کامینگ که از افراد بسیار نزدیک به جانسون به‌شمار می‌رود، پیشتر در کسوت ریاســت همین اندیشکده موســوم به «انجمن مرزهای جدید» بر ضرورت تبدیل بی‌بی‌سی به شبکه‌ای مشابه فاکس‌نیوز تاکید کرده بود. شماری از نمایندگان مجلس انگلیس دیروز سه‌شنبه اول بهمن با طرح اندیشکده کامینگ مخالفت کرده و تاکید کردند که این اقدام، گمان تغییر ساختار بی‌بی‌سی توسط دولت را تقویت می کند.

آشنایی با احزاب سیاسی و پارلمان بریتانیا

این تحولات در حالی صورت می گیرد که همزمان با صدمین سالگرد تاسیس بی‌بی‌سی، «تونی هال» مدیر کل این شبکه پس از ۷ سال اعــلام کرد که از مقام خود کناره‌گیری می کند. او با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد، این تصمیم را از روی ناچاری گرفته اســت. اندیشــکده کامینگ تاکید دارد که در قالب جدید بی‌بی‌سی، ممنوعیت تبلیغات سیاسی باید حذف شده تا جریان‌ها و نحله‌های مختلف سیاسی به ویژه جریان دست راستی، ارتباط نزدیک‌تری با مردم برقرار کنند. او در عین حال پیشنهاد کرده که اعضای دولت باید از حضور در برنامه‌های شبکه پرطرفدار رادیویی بی‌بی‌سی۴ پرهیز کنند. «بن برادشاو» وزیر پیشین فرهنگ انگلیس می گوید، کامینگ و نزدیکانش قصد دارند تا بی‌بی‌سی را به فاکس‌نیوز تبدیل کنند. اما به گفته او این شبکه متعلق به مردم اســت و «مایل نیستند که سرمایه آنها به افرادی همچون روبرت مورداک واگذار شــود.» کامینگ در سال ۲۰۱۳ میلادی در وبلاگ خود از شیوه پوشش جانبدارانه اخبار بی‌بی‌سی به نفع ادامه حضور انگلیس در اتحادیه اروپا انتقاد کرده بود. او از آن زمان، خواستار راه‌اندازی پویشــی شد که این شبکه به صدای جریان دست راستی تبدیل شود.

مجله اتحادیه اروپا (EU)

بوریس جانســون از حدود یک ماه پیش که در انتخابات پارلمانی انگلیس پیروزی خیره کننده‌ای را کســب کرد، شتاب فزاینده‌ای را به دنباله‌روی و تطبیق سیاست‌های لندن با واشنگتن داده است. او تاکنون ۴ گام شــامل انعقاد قرارداد ۴ میلیارد پوندی، برای واگذاری شــرکت دفاعی انگلیس به آمریکا، منع قانون قیلمبرداری از داخل دادگاه‌های انگلیس به سبک ایالات متحده، پیشنهاد طرح جایگزین کردن برجام بــا توافق ترامپ و تحریم حزب‌الله لبنان به پیروزی از آمریکا را برداشته است. با توجه به محبوبیت شبکه فاکس‌نیوز برای دونالد ترامپ، به نظر می‌رسد دولت کنونی لندن نیز قصد دارد تا از برهه تغییر مدیریت بی‌بی‌سی برای منافع کاخ سفید بهره‌برداری کند.

خودنگاره مشهور «ون گوگ» اصل از آب در آمد

محققان پس از شــش سال تحقیق اعلام کردند خودنگاره نادری از «ونســان ون گوگ» که برای سال‌های متوالی در صحت اصالت آن تردید وجود داشت در حقیقت یک اثر اصیل از این هنرمند مشهور هلندی است.

به گزارش پیام آشــنا به نقل از رویترز موزه «ون گوگ» واقع در «آمســتردام» روز دوشنبه اعلام کرد، این خودنگاره احتمالا تنها اثر هنری است که در دوران بیماری روانی «ونگـوگ» در تابستان سال ۱۸۸۹ یعنی زمانی که این هنرمند به بیمارســتانی در «سن رمی» شهری در فرانسه منتقل شــده بود خلق شده است. «ون گوگ» در دورانی از زندگی خود با بیماری روانی درگیر بود و در ســال ۱۸۹۰ در سن ۳۷ سالگی با شلیک گلوله خودکشی کرد (گرچه هنوز درباره علت مرگ «ون گوگ» مجادلات فراوانی وجود دارد) این خودنگاره در سال ۱۹۱۰ توسط موزه ملی نروژ و به قیمت ۱۰ هزار فرانک فرانسه خریداری شد که معادل ۱۰۰ هزار یورو امروزه است. صحت اصالت این خودنگاره زمانی به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شد که در سال ۱۹۷۰ مقاله‌ای درباره تفاوت رنگ‌های استفاده شده و نحوه استفاده از کاردک نقاشی در این خودنگاره و سایر آثار هنری این هنرمند در یک نشریه بین‌المللی هنری منتشر شد. «مای بریت گالنج» ـ مدیر موزه ملی نروژ ـ که زمانی این اثر را به نمایش گذاشته بود، بیان کرد: «وضعیت نامشخص این اثر آغاز روند بررسی اصالت آن را می‌طلبید. زمانی که این خودنگاره را در سال ۲۰۱۴ به کارشناسان موزه «ون گوگ» تحویل دادیم، هیچ چشم‌داشتی نداشتیم» به گفته‌ی «لوییس ون تیلبرو» ـ محقق ارشــد موزه «ون گوگ» ـ بررســی‌های دقیق، اثبات کرده تردیدهای موجود درباره صحت اصالت این اثر بی‌پایه و اساس بوده‌اند. این محقق در جریان رونمایی از این اثر پیش از برگزاری نمایشــگاه عمومی به روزنامه‌نگاران گفت: «اگر این تابلو نقاشی را به طور کامل مورد بررسی قرار دهید، متوجه می‌شوید که نقاط مشترک بسیاری بین این خودنگاره و سایر آثر هنری «ون گوگ» وجود دارد.» تفاوت‌هایی که باعث به وجود آمدن تردید درباره صحت اصالت این تابلو نقاشی شد، در حقیقت تلاش خود «ون گوگ» برای به تصویر کشیدن شرایط ضعیف روحی‌اش با استفاده از رنگ‌هایی با تناژ تیره‌تر نسبت به رنگ‌های سبز و آبی سرزنده‌تری که در آثار قبلی‌اش استفاده می کرد، بوده است.

تلنگر

جای خالی دامپزشک حیات وحش در کشور

یک دامپزشک در واکنش به مرگ یک قلاده ببر در باغ وحش صفادشت اظهار کرد: متاسفانه هنوز تخصص دامپزشکی برای «حیات وحش» در ایران نداریم و افرادی هم که متخصص این کار هستند به شکل تجربی دانش خود را به‌روز کرده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، پیام محبی افزود: تخصص دامپزشکی برای «حیات وحش» در ایران نداریم و افرادی هم که متخصص در این کار هستند به شکل تجربی دانش خود را به‌روز کرده‌اند و به علت فقدان دانش تخصصی بالا در مواقعــی در درمان حیات وحش دچار مشــکل می‌شــویم. رئیس بیمارستان دامپزشکی تهران در ادامه گفت: دولت و ســازمان حفاظت محیط زیست باید راجع به این مساله سرمایه‌گذاری کنند تا تعدادی متخصص حیات وحش تربیت کنند علاوه بر آن لازم است ارتباط باغ وحش‌ها با مراکز درمانی تخصصی کشور بیشتر شود.

وی ادامه داد: بســیاری از باغ وحش‌ها و افرادی که حیــوان پرورش می‌دهند تصور می‌کنند که استفاده از دانش دامپزشکی هزینه‌های آن‌ها را بیشــتر می کند البته ممکن است در زمان حال این هزینه‌ها افزایش یابد اما انجام این کار موجب می‌شــود که در بلندمدت متحمل هزینه‌هایی نشــوند. محبی با اشاره به اینکه ببری که در باغ وحش صفادشت تلف شده است حتی اگر صاحب شخصی داشت جزو ســرمایه‌های ملی کشور محسوب می‌شود، گفت: خیلی بداست که راحت می‌گوییم آن ببر تلف شده‌اســت و باید تحقیق کنیم و بدانیم چرا این اتفاق افتاده‌است تا بتوانیم از رخداد مجدد آن جلوگیری کنیم.

رئیس بیمارستان دامپزشکی تهران با بیان اینکه کشــور ایران بر مبنای کشاورزی و علم دامداری بسیاری از مسائل اقتصادی را جلو برده‌است، گفت: دانش دامپزشــکی در ایران در زمینه «حیوانات اقتصادی و خانگی» بســیار بالا است و می‌توان گفت در منطقه خاورمیانه اول است.

وی ادامه داد: به لحاظ دستگاه و فناوری نیز کشور ایران در خاورمیانه اول اســت. به عنوان مثال در بیمارستان دامپزشکی تهران دستگاه ام‌آر‌آی و در بیمارستان دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران نیز دستگاه سی تی اسکن موجود است و در واقع حداقل یک دســتگاه داریم تا بتوانیم بسیاری از حیوانات را بررسی کنیم.

رئیس بیمارســتان دامپزشکی تهران در ادامه با اشاره به نگهداری حیوانات در اسارت اظهار کرد: نمی‌توان مســاله نگهداری حیوانات در اسارت را منع کرد. به نظــرم تئوری حیوانات در طبیعت و نگه‌داری آن‌ها در اســارت دو تئوری مختلف هســتند و حیواتی که در حیات وحش است با حیواتی که در اسارت به سر می‌برد با یکدیگر فرق دارند و دو نوع حیوان مختلف هستند.

محبی در پایان گفت: شیری که در اسارت به دنیا آمده مانند «هیرمان» - شیر آسیایی که به ایران منتقل شد - با شیر آسیایی که در هندوستان در حیات وحش زندگی می‌کند، متفاوت اســت و تنها شکل ظاهری آنها شبیه به هم است؛ یکی در اســارت و با مادر و پدری که خودشان هم در اسارت بوده‌اند و دیگری در حیات وحش بزرگ شده‌است.

مقاله

مرخصی استعلاجی دارد منسوخ می‌شود

اشاره: این مطلب را استیون کوروتس نوشته است و در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۱۹ در وب‌سایت نیویورک تایمز منتشر شده است. وب‌سایت ترجمــان آن را در تاریــخ ۵ بهمن ۱۳۹۸ با عنوان «مرخصی اســتعلاجی دارد منسوخ می‌شــود» و ترجمهٔ علیرضا شفیعی‌نسب منتشر کرده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ترجمان، شب سالم و سرحال به تختخواب می‌روید. اما صبح با گلودرد و تب بیدار می‌شوید. با خودتان فکر می‌کنید که آیا می‌توانید سر کارتان بروید، یا بهتر است در خانه بمانید و استراحت کنید؟ بالاخره تصمیم می‌گیریــد که خانه بمانید. زنــگ می‌زنید به محل کارتــان تا مرخصی استعلاجی بگیرید. رئیستان هم می‌پذیرد. اما می‌گوید حالا که خانه‌ای لطفاً این گزارش را هم بنویس و آن موضوعات را هم پیگیری کن. برای خیلی‌ها، روزهای بیماری دیگر فرقی با بقیهٔ روزها ندارد.

آدام تورن آخرین باری که یک روز مرخصی استعلاجی داشــت را به یاد دارد. خزید روی تخت‌خوابش، پتو را روی ســرش کشید و با خیال راحت سر کار نرفت. تورن که نویسنده و کارآفرین حوزهٔ تکنولوژی اســت می‌گوید: «حدود ســال ۲۰۰۶ بود. همهٔ خانواده‌ام به آنفلوانزا مبتلا شده بودند. امیدوارم دیگر پیش نیاید».

از آن روز به بعد، در طول این سیزده‌سال، آقای تورن، ســاکن فینیکس، بنا به گفتهٔ خودش حتی یــک روز کاری را هم به‌خاطر بیماری از دســت نداده و بسیار به این رکورد می‌بالد. تورن عواملی که او را ســالم نگه داشــته‌اند توضیح می‌دهد و می‌گوید: بــرای ادامهٔ این روند، «حواســم به چرخه‌های خوابم هست. قهوه نمی‌نوشم. نوعی چایی مخصوص ژاپنی به‌نام گیوکورو می‌خورم. زردچوبه و رسوراترول -نوعی مکمل غذایی- استفاده می‌کنم».

رکورد حضور آقای تورن در محل کار شــاید مــوردی منحصربه‌فرد باشــد. اما به‌هرحال، مرخصی استعلاجی دارد روزبه‌روز از فرهنگ واژگان اداری محو می‌شود، حتی در فصل اوج آنفلوانزا. روزگاری مرخصی استعلاجی همین بــود، یک روز از محل کار دور می‌شــدی، تا استراحت کنی و بهتر شوی (یا حداقل تظاهر به آن: «مرخصی استعلاجی فریس بوئلر» را به یاد بیاورید).

امــا در ســال‌های اخیر، ابهامات بیشــتری در تعریــف این مرخصی به‌وجــود آمده که بازتاب‌دهندهٔ زندگی شــغلی شــبانه‌روزی و به‌شدت رقابتی ماست. تغییر تعاریف و افزایش پویایــی اداره -به لطف کار در منزل و ظهور پیمانکاران اقتصاد گیگ- مرخصی استعلاجی را حداقل برای بعضی مشاغل تا حدی منسوخ کرده است.

کیــت وارچــول، رئیس بازاریابــی محتوای اسکیل‌کراش که یک مدرسهٔ آنلاین کدنویسی است، می‌گوید: «حتی اگر مرخصی استعلاجی بگیرید باز هم باید صبح ایمیل بزنید و چند ســاعت بعد دوباره چک کنید. این به نوعی هنجار تبدیل شده که به همکارانتان ایمیل بزنید و بــه آن‌ها بگویید که آن روز در منزل کار می‌کنید».

قاضــی روت بیدر گینزبرگ نیــز این هفته همین کار را کــرد. او در دوران بهبودی‌اش بعد از یک عمل جراحی مربوط به سرطان، در دیوان عالی حضور نداشت تا ادلهٔ یک پرونده را بشنود. قاضی ارشد جان رابرتس می‌گوید او از منزل این کار را انجام می‌داد.

کار در منــزل شــاید آرامش‌بخــش به نظر برسد. اما کلمهٔ «کار» در این عبارت حکایت از انتظارات همراه بــا آن دارد: اینکه فرد در دسترس باشــد تا ایمیل‌ها را بخواند و پاسخ دهد، وارد ویدیو کنفرانس شود، و در کل، حتی با وجود حال نه‌چندان خوشایندش، کارایی داشته باشد.

خانم وارچول در یکی از شغل‌های پیشینش به‌خاطر آنفلوانزا به پزشک مراجعه کرده و در ســالن انتظار بود. در آن وقت آزاد با گوشی هوشمندی که در دستش بود سراغ ایمیل‌ها رفت. او می‌گوید: «گوشی‌های هوشمند خیلی چیزها را عوض کرده‌اند».

کارمندان اسکیل‌کراش کارشان را از راه دور انجام می‌دهند (خانم وارچول در لس‌آنجلس زندگی می‌کند) و سیاســت انعطاف‌پذیری در رابطه با ســاعات کاری در این شــرکت حکمفرماست. این شرکت محدودیت قاطعی در مورد آنچه به مرخصی استعلاجی مرسوم اســت ندارد، اما از کارمندان خود انتظار دارد تا اگــر به‌خاطر بیماری یا هر مســئلهٔ دیگر نمی‌توانند کار کنند، مسئولیت‌پذیرانه زمانشان را مدیریت کرده و با دیگر همکارانشــان در ارتباط باشند.

پاییز گذشته خانم وارچول چند هفته پس از شروع به کارش سرما خورد، و مجبور شد صبح که از خواب بیدار شد و تازه قرص دی‌کوئیل خورده بود، ایمیل بنویســد. بعدازظهر هم از طریق سامانهٔ اسلک به همکارانش می‌گفت که ساعت کارش تمام است.

خانم وارچول ترجیح می‌داد در زمان بیماری کار کند تــا مبادا با «اســترس عقب‌ماندن کارها» روبرو گردد. ایــن حکایت از افزایش حجم کار دارد که به‌خاطر تعدیل نیروها (یا تازه‌تأسیس‌بودن یک شرکت) است.

بعضی کارمندان هــراس این را دارند که اگر مرخصی استعلاجی بگیرند، جایگاه خود را نزد کارفرمای خود از دست می‌دهند. به بیان خانم وارچول: «آیا مرخصی گرفتن را نشانهٔ نداشتن وفاداری و سخت‌کوشــی خواهند دانست؟» آزادکارها هم که فاقد امنیت شغلی هستند، شــاید بیش از دیگران چنیــن دغدغه‌هایی داشته باشند.

مــارک جی. مارســن، مدیر منابع انســانی مؤسســهٔ «با هم برای سلامت و تندرستی» (آژانسی در پیتسبرگ برای مبتلایان به ایدز و دیگر بیماری‌های مقاربتی) می‌گوید مرخصی استعلاجی در شــرکت او «پابرجا و برقرار» است، هرچند واژگان آن تغییر یافته است.

آقای مارســن می‌گوید: «ما به ایــن موارد، روزهــای فوریت شــخصی می‌گوییــم». او می‌گوید کــه گسترده‌ســازی تعریف باعث می‌شود کارمندان حریم خصوصی بیشتری داشــته باشــند. با این تعریف جدید، موارد جدیدی هم لحاظ می‌شود: سلامت ذهنی، یا اینکه فرزند یا عضو دیگری از خانواده که تحت تکفل کارمند موردنظر است بیمار و نیازمند مراقبت باشد.

درضمن، کارمند مجبور نیســت با فهرستی از ســمپتوم‌ها، بیماریش را بــه رئیس خود «بفروشد».

آقای مارسن می‌گوید روزهای شخصی یعنی «به‌خاطر شــرایطی که پیش آمــده، امروز نمی‌توانید کار کنید».

ماه گذشــته آقای مارسن هنگام سفر سرما خــورد و دو روز کاری را از دســت داد. او در روز ســوم اعلام کرد که آنقدری بهبود یافته که در منزل کار کند. ایمیلش را چک کرد و اضافات را حذف نمود. مارسن می‌گوید: «این روش باعث ارتقای کیفیت زندگی می‌شود».

اما آیا برای سلامتی بد نیست که حتی یک روزِ جــدا از کار و مخصــوص نقاهت وجود نداشــته باشــد؟ خانم وارچول به‌شخصه به انعطاف موجود در این مدل جدید علاقه‌مند است. در شغل باریستا که پس از دانشگاه به آن مشغول شد (و خیلی کارهای دیگر) کار در منزل امکان‌پذیر نیست.

او می گوید: «مهم نبود اگر صبح با گلودرد از خواب بیدار می‌شدم. باز هم می‌بایست ساعت ۶ آنجا باشم و قهوهٔ مردم را آماده کنم. اینکه مجبور به گرفتن مرخصی استعلاجی نباشیم امتیازاتی هم دارد، چون می‌توانید راحت در تختخواب کارهایتان را انجام دهید».

تلنگر

انتشار کربن در لندن تا ۲۰۵۰ به صفر می‌رسد؟

نتایج یک مطالعه جدید نشــان می‌دهد انگلیسی‌ها باید مصرف گوشت خود را ۲۰ درصد کم کرده و مواد زائد غذایی را نیز کاهش دهند و لبنیات را قطع کنند تا در سال ۲۰۵۰ به انتشار صفر کربن برسند.

بــه گزارش پیام آشــنا بــه نقل از دیلی‌میل، گزارش کمیته تغییرات آب و هوا خواستار تغییرات اساسی است: این کمیته خواستار ایجاد بیشتر جنگل‌ها و فضای سبز و ایجاد جدیدترین روش‌ها در صنایع آلاینده است.

دانشمندان سعی دارند، با آگاهی بخشی در خصوص مزایای کاهش میزان گازهای گلخانه‌ای، انتشــار آن را تا سال ۲۰۵۰ به صفر برســانند تا منابع کنونی را برای نسل‌های آینده حفظ کنند.

دولــت انگلیس نیز در این راســتا گفته است که در حال حاضر انگلیس توان آن را دارد که انتشار گازهای گلخانه‌ای را تا ۳۰ سال آینده تقریبا به صفر برساند.

کمیته تغییــرات آب و هــوا (CCC) گزارشی منتشــر کرده که می‌گوید اگر انگلیس قصد دارد اهداف خود را برآورده کند، تغییرات قابل توجهی در استفاده از اراضی مورد نیاز است.

بیشترین تغییرات در سطح ملی شامل مالیات جدید برای آلوده‌ترین صنایع برای کمک به تأمین بودجه ایجاد جنگل‌های جدید، درختان و گیاهان است.

بریده جراید

بارسلون
شهر فوتبال و معماری و دریا

همشهری: آرش خانی – درست روز بازی فینال لیگ قهرمانان اروپای سال ۲۰۱۵ میلادی، بین تیم‌های بارسلونا و یوونتوس وارد بارسلون شدم که البته این بازی در شــهر برلین برگزار می‌شد. شهر، چهره‌ای کاملاً فوتبالی به‌خود گرفته بود.

مردم پرچم تیم فوتبال شهرشان را در دست گرفته و در دسته‌های چند نفری مشغول کُری‌خوانی بودند. پرچم کاتالونیا نیز از پنجره‌ی هر خانه‌ای آویزان بود. جوان‌ها هم ایستگاه‌های مترو و اتوبوس را قرق کرده و درباره‌ی فوتبال بحث می‌کردند. این را درست زمانی فهمیدم که تصمیم گرفتم با وسایل حمل‌ونقل عمومی از فرودگاه بارسلون در ۱۷ کیلومتری مرکز شهر، به هتلی بروم که در کوه‌پایه‌ی بالای شهر واقع شده بود.

طی‌کردن این مسیر طولانی، سخت‌تر از چیزی بود که می‌پنداشتم و درســت زمانی که باید سربالایی تندی را تا محل هتل پیاده می‌رفتم، چمدانم شکست!

هوای خردادماه بارسلون، گرم و شرجی بود ولی شهر به‌نسبت شهرهای دیگر اروپایی که دیده بودم، به‌مراتب تمیزتر و عطر گل در همه‌جا ساری بود. کوچه‌های باریک با شیب تند و آپارتمان‌های چندطبقه در دوطرف، نمای چشم‌نوازی را ایجاد کرده بود که مرا برای عکاسی متوقف می‌کرد. در نزدیکی پارک پوشت در شمال‌غربی بارسلون، چشم‌انداز وسیعی به شهر و حتی بندر بارسلون داشتم!

بارســلون، پایتخت بخش خودمختار کاتالونیا نیز هســت که تاریخ گسترده‌ای از جنگ‌ها و از خودگذشتگی‌ها را تجربه کرده و البته پس از شهر مادرید، بزرگ‌ترین شهر اسپانیاست. این شهر با جمعیتی حدود پنج میلیون نفر، بزرگ‌ترین تمدن حاشیه‌ی دریای مدیترانه را تشکیل داده است!

پس از استراحت کوتاهی در هتل برای صرف ناهار به یکی از رستوران‌های کوچک محلی رفتم. برای من غذاهای اسپانیایی، متنوع و کمی عجیب بود. ولی مشهورترین غذایشان «پَئلای والنسیایی» بود که ترکیبی است از برنج زعفرانی که با گوشت خرگوش، مرغ یا میگو و ماهی سرو می‌شود. آن‌روز پیشنهاد سرآشپز رستوران محلی را برای خوردن حلزون رد کردم و پئلای میگو را تجربه کردم!

بعد با استفاده از یکی از قدیمی‌ترین متروهای جهان خودم را به خیابان «لارامبلا» رساندم. این خیابان از مشهورترین خیابان‌های شهر است، با انبوهی از هتل‌ها، رستوران‌ها، کلیساها و مراکز خرید. منطقه‌ی گوتیک بارسلون، محله‌ای بین خیابان‌های لارامبلا و «لایتانا» است که بناهای باشکوهی از دوران باستان و قرون وسطی در آن به‌جا مانده که می‌توان ســاعت‌ها در خیابان‌های کوچک و بزرگ این منطقه گشــت زد و به تماشای ساختمان‌های بلند و چندصدساله‌اش نشست.

لارامبلا پر است از توریست‌هایی که قدم‌زنان، خود را به میدان «کریستف کلمب» می‌رسانند؛ مجسمه‌ی هفت‌متری کریستف کلمب که با دست به سمتی اشاره می‌کند در این میدان نصب شده است. بعضی معتقدند او به قاره‌ی آمریکا اشاره می‌کند در حالی که به‌نظر می‌آید دستش به سمت الجزایر است.

سپس قدم‌زنان از کنار بندر بارسلون گذشتم که از مهم‌ترین بنادر اروپا محســوب می‌شود. سالانه میلیون‌ها یورو در این بندر، معاملات و نقل و انتقال کالا صورت می‌پذیرد. در این قدم‌زدن‌ها متوجه شــدم شــهر پر از مجســمه‌ها، سازه‌ها و آثار هنری است و نسبت به شهرهای دیگر اروپا که تا آن روز دیده بودم، مدرن‌تر اســت. بخشــی از این را می‌توان مرهون کارهای «خوان میرو»، نقاش و مجسمه‌ساز اسپانیایی دانست. کارهای او بیش‌تر در ســبک سوررئال است و مجسمه‌ها و تابلوهای او در بسیاری از شهرها و موزه‌های جهان نصب شده و هواخواهان بسیاری دارد. مجسمه‌ی زن و پرنده اثر همین خوان میرو به همراه مجسمه‌های دیگر هنرمندان، هم‌چون مجسمه‌ی ماهی طلایی، لابستر خوشحال و... چهره‌ی بی‌نظیری به خیابان‌های شهر داده بود.

برای شام این شانس را داشتم که دوستی قدیمی را ببینم که سال‌هاست در این شهر زندگی می‌کند و معتقد بود اسپانیایی‌ها، شادترین مردم دنیا هســتند چرا که بعد از کار و خواب عصرگاهی تا پاسی از شب در کافه‌ها، رستوران‌ها و خیابان‌های شهر به تفریح مشغولند.

حالا دیگر خبر رسیده بود که تیم فوتبال بارسلونا، قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شده و مردم در شهر تا پاسی از شب مشغول جشن و پایکوبی بودند.

برای روز دوم اقامتم، ســوار اتوبوس‌هایی توریســتی شدم تا با جاهای مختلف شهر بیش‌تر آشنا شوم. بازدید از ورزشگاه نیوکمپ، آرزویی بود که به آن رسیدم. ســاخت این ورزشگاه صدهزار نفری در سال ۱۹۵۷ میلادی به‌پایان رسیده بود و در حال حاضر بزرگ‌ترین استادیوم فوتبال اروپا و یازدهمین در جهان محسوب می‌شود.

سپس از خیابان «پســیج دگراسیا» عبور کردیم که اعیان‌نشین‌ترین خیابان اسپانیاســت. ساختمان «کازاباتیو» که در سال ۱۸۷۷ میلادی ساخته و بعدها توسط «آنتونیو گائودی»، معروف‌ترین مهندس معمار اسپانیایی بازسازی شده هم در این خیابان واقع شده است.

گائودی در ســال ۱۸۵۲ میلادی به‌دنیا آمد و در سال ۱۹۲۶ میلادی در اثر تصادف با تراموا درگذشت. شهرتش به‌خاطر سبک منحصربه‌فرد، غریب و بسیار شخصی آثارش در شهر بارسلون است. او در سال ۱۸۸۴ میلادی ساخت کلیسای «ساگرادافامیلیا» به معنی «خانواده‌ی مقدس» را آغاز کرد و هنوز نیز ساخت این کلیسا ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۶ پایان یابد. این کلیسا با طرح منحصر به فرد، برج‌های بلند و تزئینات بسیار پیچیده، از جاذبه‌های توریستی بارسلون است. از دیگر بناهای معروف این معمار می‌توان به «خانه‌ی کاسامیلا» و «پارک گوئل» اشاره کرد.

در دامنه‌ی کوه «مون‌جوییک»، پارک زیبایی مملو از موزه‌ها و گالری‌های هنری قرار دارد که می‌توان یک روز کامل را در آن سپری کرد. چشم‌انداز این پارک به شهر، مثال‌زدنی است. در حوالی همین پارک از محوطه‌ی المپیک نیز دیدن کردم که به‌منظور برگزاری المپیک تابستانی ۱۹۹۲ بارسلون ساخته شــده بود. اگر وقت داشتم می‌توانستم با تله‌کابین از قلعه‌ای که بر فراز قله ساخته شده بازدید کنم.

روزهای زیادی که در شــهرهای اروپایی قدم زده بودم، آن‌قدر خسته‌ام کرده بود که تصمیم گرفتم روزی کامل را بر کنار شن‌های زیبای ساحل بارسلون سپری کنم و فقط به تماشای مدیترانه‌ی زیبا بپردازم. ساحل این شهر که از زیباترین و البته شلوغ‌ترین سواحل دنیاست، چهار کیلومتر است.

حالا باید با چهره‌ای آفتاب‌سوخته مهیای سفر بعدی‌ام به پاریس می‌شدم. پس به‌زودی در آن‌جا می‌بینمتان!